



دکتر تیمور جعفری، دکترای جغرافیای طبیعی، گرایش ژئومورفولوژی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۸۶، با ۱۳ سال سابقه‌ی آموزشی و مدرس دانشگاه‌های بجنورد و پیام نور بجنورد.



آقای احمدرضا شاددل، کارشناس ارشد جغرافیا، گرایش برنامه‌ریزی روستایی و عشایری از دانشگاه آزاد اسلامی مشهد، و مدرس مرکز تربیت معلم و دانشگاه پیام‌نور بجنورد.



آقای دکتر ابوالفضل جنتی سراب، دکترای رشته‌ی جغرافیای طبیعی از دانشگاه آزاد اسلامی در سال ۱۳۸۷، دبیر رسمی آموزش و پرورش مانه و سملقان با ۱۵ سال سابقه، و مدرس دانشگاه پیام‌نور.



آقای رمضان‌علی نادری مایوان، دبیر رسمی آموزش و پرورش به مدت ۱۸ سال، فوق‌لیسانس جغرافیا و دانشجوی دوره‌ی دکترای عضو جامعه‌ی نخبگان اینترگر خراسان شمالی، و مدرس دانشگاه آزاد اسلامی و دانشگاه پیام نور قوچان و بجنورد.



خانم منیره عظیمیان، فوق‌لیسانس برنامه‌ریزی روستایی از دانشگاه فردوسی مشهد در سال ۱۳۸۱، با ۱۰ سال سابقه‌ی تدریس جغرافیا در آموزش و پرورش، و عضو گروه‌های آموزشی.

اشاره

در نشست دبیران جغرافیای استان خراسان شمالی که روز ۱۸ اسفندماه سال ۱۳۸۸ در محل سالن اجتماعات آموزش و پرورش شهرستان «فاروج» برگزار شد، از فرصت به‌دست آمده استفاده کردیم و با تنی چند از دبیران جغرافیای این استان به گفت‌وگو نشستیم. آنچه در ادامه تقدیم می‌شود، حاصل همین گفت‌وگوست. کوشیده‌ایم تا حد امکان، بدون دخل و تصرف در نظرات شرکت‌کنندگان، آن‌ها را ارائه دهیم. امید است این قبیل گفت‌وگوها در نهایت به بهبود وضعیت آموزش جغرافیا در ایران و ارتقای سطح علمی مجله‌ی رشد آموزش جغرافیا بینجامد. شرکت‌کنندگان در این گفت‌وگو عبارت‌اند از:

گفت‌وگو با معلمان جغرافیای خراسان شمالی

دکتر مهدی چوبین

گروه‌های آموزشی و انجمن‌های علمی دبیران جغرافیا و گروه‌های جغرافیای دانشگاه‌ها در استان‌ها، در صورت تمایل به درج نظراتشان در رشد «آموزش جغرافیا» یا دفتر مجله تماس حاصل فرمایند. این مجله، آمادگی انعکاس نظرات سازنده و بحث‌های مفید این عزیزان را اعلام می‌دارد.

چوبینه: با سلام خدمت شما دوستان عزیز، ابتدا من یک سؤال مردم‌آزانه می‌پرسم: آخرین شماره‌ی مجله‌ی رشد آموزش جغرافیا که مطالعه فرمودید، چه شماره‌ای بود؟

شیرکت کنندگان: الان حضور ذهن نداریم آقای دکتر!

چوبینه: بله من هم برای همین پرسیدم. این مجله یک مجله‌ی اختصاصی است برای معلمان جغرافیا؛ برای من و شما جمع حاضر جمعی از نخبگان استان خراسان شمالی است. من هم گفتم سؤال مردم‌آزانه. حالا خواهش می‌کنم این است که آخرین شماره‌ی مجله‌ی رشد آموزش جغرافیا را که حضور ذهن دارید و خوانده‌اید، بفرمایید.

جعفری: آخرین شماره‌ای که من خواندم، شماره‌ی پارسال زمستان بود. عدد شماره‌اش را نمی‌دانم. درواقع چون خوب توزیع نمی‌شود، شماره‌اش را نمی‌دانم. این یکی از مشکلاتی است که داریم؛ مجله خوب توزیع نمی‌شود! **چوبینه:** حالا به آن هم می‌رسیم که چرا نخبگان جغرافیا از شماره‌های جدید مجله‌ی جغرافیا خبر ندارند.

عظیمیان: من چون می‌خواستم در این همایش مقاله بدهم و موضوع مقاله هم آموزش جغرافیا بود، تعدادی از مجلاتی را که در دسترس بود، با خودم به منزل بردم و نگاه مفصلی داشتم به این مجلات. آخرین شماره‌ی مجله در گروه آموزشی موجود بود، شماره‌ی ۸۳ بود. حالا نمی‌دانم بعدها چه شماره‌هایی چاپ شده‌اند.

شاددل: مطالعات من بیش‌تر در زمینه‌ی نجوم است، اما این مجله را نیز مطالعه کرده‌ام؛ گرچه به شماره‌اش دقت نداشته‌ام. چون در این مجله در مورد نجوم مقالات زیادی به‌چاپ نمی‌رسد، معدود موارد مرتبط با این بحث را در رشد جغرافیا مطالعه کرده‌ام.

جنتی سراب: از آن‌جا که این مجله از طریق آموزش و پرورش در مدارس توزیع می‌شود، خوش‌بختانه در دبیرستان‌ها در دسترس است. آخرین شماره از آن را که مطالعه کرده‌ام و حضور ذهن دارم، شماره‌ی زمستان سال گذشته است.

نادری مایوان: آخرین شماره‌ی مجله که به دست من رسید و مطالعه کردم، مربوط به سال ۱۳۸۴ بود. دو شماره از شماره‌های آن سال فصل‌نامه را مطالعه کردم و از مقالات توریسم، فناوری‌های جدید در آموزش جغرافیا و مخاطرات ژئومورفولوژی استفاده کردم.

چوبینه: برای اطلاع دوستان عرض می‌کنم، زمانی که به استان خراسان شمالی آمدم، چیزی برای سوغات نداشتم. تنها چیزی را که قابل دوستان دیدم، مجله‌ی رشد آموزش جغرافیا بود. آخرین شماره‌ی مجله را با خودم آوردم که متأسفانه فقط یک نسخه از آن در دسترس بود و آن را به دوستان دادم. از شماره‌ی قبلی هم ۱۰ نسخه برای دوستان آورده‌ام. الان شماره‌ی ۹۰ ما که مربوط به تابستان سال ۱۳۸۹ است، به‌تازگی از چاپ درآمده و شماره‌ی ۹۱ دارد آماده‌ی چاپ می‌شود. به احتمال زیاد این مصاحبه

در شماره‌ی ۹۱ به چاپ خواهد رسید. حالا ما چرا به نسبت دیگر مجلات این قدر جلو هستیم؟ هیچ مجله‌ی تخصصی جغرافیا در حال حاضر در ایران نیست که از زمان خودش جلوتر چاپ شود. علتش این است که ما باید مجله را طوری آماده کنیم که به‌همراه مجلات عمومی به دست مصرف‌کننده برسد. از آن‌جا که مجلات عمومی به دست مخاطبانش می‌رسد، به احتمال زیاد رشد آموزش جغرافیا هم برای استان‌ها ارسال می‌شود. اما این‌که در استان‌ها چه بلایی بر سرش می‌آید، داستانی است که باید بنشینیم و در موردش صحبت کنیم.

حالا سؤال دیگر من این است که به نظر شما، با توجه به شغل و سابقه‌ای که در امر آموزش دارید، اگر این مجله بخواهد بهتر شود، به چه موضوع‌هایی باید بپردازد؟

جعفری: به نظر من، باید سطح مطالب مجله را ارتقا بدهیم. فکر می‌کنم الان این مجله‌ی آموزشی-تخصصی است؛ درست می‌گوییم؟

چوبینه: آموزشی-اطلاع‌رسانی است.

جعفری: اگر سعی بر این باشد که علمی-پژوهشی شود، ممکن است خیلی مورد استقبال همکاران قرار بگیرد. ما الان در جامعه‌ی آموزش و پرورش کلی تحصیل کرده‌ی دکتر داریم که همگی علاقه‌مندند مقاله بنویسند و چه بهتر که مقاله در مجله‌ی خودشان چاپ شود. مثلاً من مقاله‌ای برای یکی از مجلات فرستادم. بعد از شش ماه جواب دادم که این به حوزه‌ی ما مربوط نمی‌شود. یعنی جاهای دیگر در چاپ مقالات ما تعلل می‌کنند. به نظر من، اگر این مجله‌ی علمی-پژوهشی شود، خودم شخصا از افرادی هستم که مایلم برای آن مقاله بفرستم. در حال حاضر، مقالات رشد آموزش جغرافیا بار علمی خوبی دارند و تا آن‌جا که من مطالعه کرده‌ام، کیفیت مطالب عالی و بالاست.

عظیمیان: من شماره‌های قدیمی‌تر مجله را با شماره‌های جدیدی آن مقایسه کردم. سطح مقالات خیلی بهتر شده است. انصافاً اغلب مقالات چاپ شده، مقالات کاربردی هستند. گرچه ممکن است نویسندگان مقالات در سطح کارشناسی و یا کارشناسی‌ارشد باشند، ولی مقالات بسیار کاربردی هستند. به‌خصوص برای همکارانی که سال‌هاست از محیط دانشگاهی فاصله گرفته‌اند، مثلاً ماها که ۱۰ سال پیش مدرک فوق‌لیسانس گرفته‌ایم، یا همکارانی که ۱۲ یا ۱۵ سال پیش دانشجو بوده‌اند، این مقالات می‌توانند سطح آگاهی همکاران را خیلی بالا ببرند.

شاددل: درحقیقت آقای دکتر، من موضوع پایان‌نامه‌ی دکتری‌ام را از مجله‌ی رشد انتخاب کردم. موضوع پایان‌نامه‌ی کارشناسی‌ارشد من، «روند یکپارچه‌سازی اراضی کشاورزی» بود که شاید به‌ندرت به این موضوع از دید جغرافیا پرداخته می‌شود. همین عامل هم باعث شد که من به این مجله بیش‌تر اهمیت بدهم. منتها وقتی وارد محیط کار خودم و موضوع کارم شدم که همان زمین در فضا بود. عملاً نتوانستم از موضوع پایان‌نامه‌ام استفاده کنم.

به‌نظر من برای بهتر شدن مجله، با توجه به این‌که فرمودید یک مجله‌ی آموزشی-ترویجی است و یک دیدگاه تخصصی در آن لحاظ می‌شود، باید مقالات همایش‌هایی مثل همایش امروز-هر چند در سطح تهران و شهرهای بزرگ نباشد-در آن درج شوند. به این ترتیب موضوع جغرافیا در سطح ایران بهتر معرفی می‌شود و انگیزه‌ی بیش‌تری هم برای همکاران متخصص جغرافیا به‌وجود می‌آید که این فصل‌نامه را مجله‌ی تخصصی خود بدانند.

جنتی سراب: من از شما تشکر می‌کنم که این مجله را راهنمایی می‌کنید و این مسئولیت را بر عهده گرفته‌اید. این مجله مدیون شمامست. همان‌طور که دوستان فرمودند، ابتدا رشد آموزش جغرافیا از نظر محتوا ضعیف بود، اما الان مقالات بسیار علمی و خوبی درج می‌شوند که جواب‌گوی برخی از نیازهای دانشجویان و خود ما هستند. گاهی نیز نکات و مشکلات آموزشی منعکس می‌شوند که این هم موضوع بسیار خوبی است و جا دارد بیش‌تر به آن پرداخته شود. از این طریق همکاران در جریان مشکلات آموزش جغرافیا در استان‌های دیگر قرار خواهند گرفت. علاوه‌بر این، بنده احساس می‌کنم که اطلاع‌رسانی و اطلاع‌گیری از تعداد کسانی که به‌طور کلی عضو هیئت علمی دانشگاه‌ها هستند یا حداقل با مدارک بالا در آموزش و پرورش مشغول‌اند، ضعیف است. اگر با آن‌ها حتی ارتباط مکاتباتی داشته باشیم، رابطه‌ی اثربخشی برقرار می‌شود، ارتقای علمی مجله تحقق می‌یابد و بنیه‌ی کاری ما تقویت می‌شود.

شاددل: با توجه به این‌که بنده سرگروه تألیف کتاب جغرافیای استان خراسان شمالی بوده‌ام و همکاران دیگر نیز زحمت کشیده‌اند تا این کتاب تدوین شده، ما منتظر داشتیم حداقل نتیجه‌ی کار ما به‌عنوان یک اثر علمی و کاری در سطح جغرافیا برای یک استان تازه‌تأسیس، در مجله‌ی شما مورد نقد و بررسی قرار گیرد. هر چند عکسی از روستای روئین اسفراین را که عکسی هوایی بود و در صفحات اول کتاب استان خراسان درج شده بود، در مجله به چاپ رساندید، اما این‌که شما و سرکار خانم دکتر **مقیمی** استاد راهنمای ما بودید، این کتاب در مجله نقد و بررسی نشد. حداقل اگر نقد می‌شد، همان‌طور که شما فرمودید، وقتی کتاب جدیدی قرار است چاپ شود، نویسندگان آن می‌توانستند از کتاب ما به‌عنوان منبعی مؤثر و سودمند استفاده کنند. نقد و بررسی کتاب‌های جدید از دیدگاه شما به‌عنوان متخصص و کسی که کارهای زیادی را دیده‌است، و انتشار آن در مجله، به نظر من می‌تواند مفید باشد.

نادری مایوان: این مجله یک مجله‌ی علمی-ترویجی و آموزشی است. همان‌طور که دکتر جعفری فرمودند، اگر رشد آموزش جغرافیا علمی-پژوهشی شود، خیلی مناسب است. من هم اعتقاد دارم، اگر سطح علمی آن بالا برود، همکاران زیادی با آن همکاری می‌کنند. حتی می‌توان دامنه‌ی موضوعی موضوع مقالات مجله را قدری وسیع‌تر تعیین کرد، تا غیر از جامعه‌ی فرهنگیان هم بتوانند در آن مقاله ارائه دهند و حداقل بخشی از مجله به ارائه‌ی مقالات آزاد اختصاص یابد؛ مثلاً مقالات جوانان دانشگاهی، هم‌چنین، می‌توانیم مقالات علمی جغرافیایی کشورهای پیشرو و شیوه‌های آموزش جغرافیا در کشورهای دیگر را، ولو در حد یک صفحه و به‌طور خلاصه، در مجله بیابیم تا بفهمیم در فلان کشور، حتی نه پیشرو و در سطح خودمان، چه می‌گذرد و با سنجش خودمان، بدانیم چه‌قدر پیشرفت کرده‌ایم و چه‌قدر هنوز جا برای پیشرفت داریم. دیگر این‌که به نظر من، اگر در هر شماره از مجله، ویژگی‌های جغرافیایی یک استان را به چاپ برسانیم، جذابیت دارد و مورد توجه مخاطبان قرار می‌گیرد. این موارد به ذهن من رسید. امیدوارم که با تدبیر اندیشمندانه‌ی که شما و همکارانتان دارید، جایگاه مجله هر چه بیش‌تر ارتقا پیدا کند و به آن اهداف عالی که می‌خواهید دست یابید.

چوبینه: دست شما درد نکند. پیشنهادهای خوبی دادید که من اصلاً فکرش را هم نمی‌کردم و امیدوارم که خداوند آن قدر به ما عمر دهد که بتوانیم همه‌ی این کارها را عملی کنیم. سؤال دیگرم این است که به نظر شما به‌عنوان معلم و متخصص جغرافیا یا کسی که صاحب‌نظر است و سابقه‌ی علمی دارد، چه بخش‌هایی را می‌شود به مجله اضافه کرد تا معلمینی که تازه در شروع کار هستند، در آموزش جغرافیا از آن استفاده بزنند؟

جعفری: من دو پیشنهاد دارم: اول، تمرکز روی روش‌های تدریس. چون غالباً افراد کم‌تجربه در زمینه‌ی روش‌های تدریس کم می‌آورند و نحوه‌ی انتقال دانش را به دانش‌آموزان را آن‌طور که باید نتوانند پیاده کنند و این کار را انجام نمی‌دادند. دوم، معرفی روش‌های استفاده از فناوری نوین که به نظر من می‌تواند مفید باشد.

خانم عظیمیان: در یکی از شماره‌های مجله، مقاله‌ای در مورد برگزاری جشنواره‌ی IT در شیراز داشتید که در آن مزایا و مشکلات استفاده از فناوری در آموزش جغرافیا آمده بود. توصیه می‌کنم، اگر چنین همایش‌هایی برگزار می‌شوند که

بیش‌تر به موضوع آموزش جغرافیا و روش‌های تدریس نوین می‌پردازند، گزارش آن در مجله بیاید تا همکاران استفاده کنند.

شاددل: من می‌خواهم معرفی چهره‌های ماندگار جغرافیا را پیشنهاد کنم؛ بزرگانی مثل دکتر **گنجی**، **محمود شکویی** و چهره‌های دیگر من نمی‌دانم چه‌مقدار از این افراد بعد از بازنشستگی یا بعد از معروف شدنشان اینها یا خود حضرت‌عالی که به افتخار بازنشستگی نائل شده‌اید و هم‌چنین سرکار خانم دکتر مقیمی. درحقیقت، این بزرگان ذخیره‌های تجربه‌های گذشته هستند برای نسل‌های جدید باید ببینیم ما چه کار می‌توانیم برای معلمین تازه‌کار انجام دهیم تا موفق شوند. حتی در حد یک صفحه یا شاید هم کمتر و حتی سخنان این چهره‌ها، تا یادی از ایشان شده باشد. اگر بخشی را بتوان به این موضوع اختصاص داد، فکر می‌کنم کیفیت مجله خوب شود.

جنتی سراب: در بحث تأثیرگذاری آموزش جغرافیا، نیاز است که الگوهای برتر آموزش جغرافیا را مطرح کنیم. می‌توان اشاره کرد که با توجه به موضوع‌بندی کتاب‌های جغرافیا که هم طبیعی دارد، هم شهری و هم انسانی، روش‌های مؤثر آموزش هر یک از این بخش‌ها کدام‌اند. برای مثال، در بحث اشتقاق قاره‌ها یا بحث مخاطرات طبیعی، به چه صورتی یک الگوی آموزشی مناسب ارائه شود که در بهتر یاد گرفتن و اثربخشی و کاربرد این آموزش تأثیر بگذارد و ما بتوانیم جایگاه جغرافیا را ارتقا دهیم.

مورد بعدی به نظر من که شاید در مجله آمده و بنده بی‌اطلاع هستم، شناساندن مکتب‌های آموزشی جغرافیا در دانشگاه‌های ماست. شاید خیلی از ما بی‌خبریم که چه مکتب‌هایی را در دانشگاه آموزش می‌دهند و تفکر این مکاتب به چه صورتی هست. این موضوع برای دبیران ما می‌تواند مناسب باشد.

دیگر این‌که اگر امکان داشته باشد و مشکل ایجاد نکند، معرفی دبیران جغرافیای استان‌ها در مجله. دبیرانی که به این کار رضایت داشته باشند، ایمیل و آدرس دارند و می‌توان با ایشان ارتباطات بیش‌تری برقرار کرد.

شاددل: مطلبی را که من امروز از یکی از حاضرین شنیدم، عیناً برایتان نقل می‌کنم. وی می‌گفت چرا جغرافیا معرفی نمی‌شود؟ چرا نمی‌نویسند در جامعه چه جایگاهی دارد؟ آیا در کشور ما در دانشگاه‌ها رشته‌ای به نام جغرافیای پزشکی هم تدریس می‌شود؟ اصلاً وجود دارد؟ من نتوانستم جواب بدهم. گفتم نمی‌دانم. گرایش جغرافیای پزشکی را من نشنیده‌ام. اگر واقعاً این رشته‌ی جدید وجود دارد، در مجله اطلاع بدهیم و آن را معرفی کنیم.

چوبینه: یکی از دلایل این‌که من در همه‌ی این سال‌ها و با همه‌ی گرفتاری‌هایی که داشته‌ام، همواره باب مراد به همکاران را بازگذاشته‌ام، این بوده است که من خودم سود می‌بردم. آخرین سوالات که معمولاً مطرح می‌شد که خیلی هم خوش‌آیند نبود، بلکه گزنده بود، چندوقت پیش اتفاقاً در نامه‌ی به دفتر مجله نوشته بودند: من دانشجوی دوره‌ی کارشناسی هستم می‌خواهم در دوره‌ی کارشناسی‌ارشد رشته‌ی جغرافیای پزشکی تحصیل کنم. به کدام دانشگاه باید بروم؟ گفتم والا در ایران که نداریم. حتی من زمین‌شناسی پزشکی را که می‌دانم در دنیا هست، در ایران ندیده‌ام. اما می‌توانیم تحصیلات را در یکی از گرایش‌های موجود ادامه دهیم و زمانی که به پایان نامه می‌رسیم، با توافق استاد راهنما، موضوع را به موضوع تأثیر جغرافیا بر سلامتی اقتصادی و اجتماعی تغییر دهیم. بنابراین اصل ماجرا این است که ما گرایش جغرافیای پزشکی در ایران نداریم.

نادری مایوان: جغرافیای پزشکی، طبق صحبت‌ها و اطلاعات آقای دکتر در کشورهای دیگر تدریس می‌شود؛ مثلاً در کشور آمریکا، انگلستان و فرانسه. موضوع رساله‌ی دکترای من هم جغرافیای پزشکی بود و متأسفانه استاد راهنما رد کرد و گفت ما منبعی در ایران نداریم. من گفتم ما می‌توانیم از پیش بریبیایم، ولی نپذیرفت و نهایتاً هم موضوع را برگرداند به جغرافیای انسانی.

درخصوص این سؤال که فرمودید، همان‌طور که سرور عزیزمان جناب آقای شاددل فرمودند، باید جایگاه جغرافیا بین سایر علوم برای معلم جغرافیا تبیین شود تا بداند که باید چه‌کار کرد و به چه امری بپردازد و اصلاً دلیلش چیست که تدریس می‌کند. خب همین موضوع را معلم زیست‌شناسی و زمین‌شناسی هم تدریس

می‌کند، پس چرا من تدریس کنم! باید جایگاه این رشته به‌خوبی توضیح داده شود. من هم پیشنهاد می‌کنم، بخشی از مجله را به دانستنی‌های علمی و آخرین دستاوردهای بشر و نه فقط جغرافیایی و آخرین روش‌های آموزش و تدریس در کشور و یا سایر کشورها اختصاص می‌دهیم.

چوبینه: شما خسته هستید و من سعی می‌کنم سوالات را کمتر کنم تا بیش‌تر از این مزاحم شما نباشم. از نظر ظاهری، شکل، اندازه، گرافیک، رنگ، طراحی، عکس و هر آن چیزی که در واقع زبان تصویری مجله محسوب می‌شود، اگر نظری دارید بفرمایید؟

جعفری: اگر مجله رنگی شود، خیلی بهتر است. فکر نمی‌کنم زیاد هم هزینه‌بر باشد و هر چه باشد، قطعا برای وزارتخانه مبلغ زیادی نیست. اگر رنگی باشد، می‌تواند خیلی تأثیرگذار باشد و تصاویر گویاتر خواهند بود.

خانم عظیمیان: در مقایسه با مجلاتی که من در استان‌های دیگر دیده‌ام، مثلاً مجله‌ای که از استان کردستان می‌آید، رشد آموزش جغرافیا ضعیف‌تر است. شاید به مجلات استانی بودجه‌ی خاصی تعلق می‌گیرد یا علت دیگری دارد. کیفیت آن‌ها خیلی بهتر است. در حالی که برگه‌های مجله‌ی رشد آموزش جغرافیا حالت کاهی دارد و تیره‌رنگ است. با توجه به این که رشد مجله‌ی فراگیری هم هست و بیش‌تر از مجلات استانی و در سطح کشور خواننده دارد، باید کیفیت خیلی بهتری داشته باشد تا خواننده‌ی بیش‌تری را جذب کند.

شاددل: اگر مقدر باشد، رنگ و طرح جلد مجله را با توجه و متناسب با فصل در نظر بگیرند. مثلاً برای فصل پاییز از منظره و یا تصویر زمین‌شناسی یا طبیعت استفاده کنید.

مطلبی مربوط به سؤال قبل که فراموش کردم بگویم، درباره‌ی شیوه‌های آموزش مطالب جدید است. از جمله بررسی تصویر ماهواره‌ای تا جایی که مقدور است و به کمک متخصصین امر. در مجموع، اگر شیوه‌ی آموزش هر فن جدید را به‌صورت خلاصه در مجله بگنجانید فکر می‌کنم برای همکاران جدید مفید باشد.

جنتی سراب: با توجه به این که تعداد زیادی از شماره‌ها را من در اختیار دارم یک‌نواختی رنگ کاغذی که در مجله استفاده می‌شود، تا حدی از جذابیت آن کم می‌کند. اگر رنگی شدن مجله مقدور نیست، حداقل بخش‌هایی که نیاز به اثرگذاری دارند، و برخی از نقشه‌ها را رنگی سازند.

نادری مایوان: گفته‌اند که اگر مجله رنگی شود، باید از حجم آن کاسته شود. من الان می‌خواستم بگویم حجمش کم است حداقل باید از این بیش‌تر و قشورتر باشد و مقالات بیش‌تری را بپذیرد. اما به نظر من اگر قسمتی از عکس‌ها که نیاز به وضوح بیش‌تر دارند، رنگی چاپ شود، دیگر نیازی به کاغذ کلاسه و یا مرغوب یا چاپ رنگی نیست. همان عکس رنگی چاپ شود نیاز خواننده را برطرف کند.

مطلب دوم این است که تصویر روی جلد مجله می‌تواند در نگاه اول بیننده را جذب کند. اگر تصویر روی جلد از آخرین دستاوردهای علمی جغرافیایی انتخاب شود، خیلی خوب خواهد بود. همین باعث می‌شود نگاه به مجله این‌گونه باشد که این مجله به‌روز است!

چوبینه: خیلی ممنون از همه‌ی دوستانی که محبت کردند، با همه‌ی خستگی که داشتند، در این نشست شرکت کردند. به‌عنوان حسن ختام این نشست اگر دوستان فرمایشی دارند، ما در خدمتشان هستیم! در غیر این صورت رفع زحمت می‌کنیم.

جعفری: من مطلب دیگری عرض کنم. اگر گزیده‌ای یا چکیده‌ای از رساله‌هایی که نمره‌ی خوب می‌گیرند، در مجله بیاید، می‌تواند برای همکاران عزیز هم مفید و هم راه‌گشا باشد.

شاددل: بنده هم به‌عنوان حسن ختام می‌خواستم از شما بپرسم که نظرتان درباره‌ی این‌گونه همایش‌ها که امروز هم شاهد یکی از آن‌ها بودید، چیست. با توجه به شهرستان‌ها و کوچکی شهر برگزار کننده، واقعاً آن‌چه که مدنظر شما بود، برآورده شد یا نه؟ آیا واقعا بار علمی داشت یا نه؟

چوبینه: ببینید، من روز اول فکر نمی‌کردم بتوانیم همایشی برگزار کنیم. پس معلوم است ارزیابی ما نسبت به توان خودمان نادرست بود و بعد از این باور کنیم که می‌شود خیلی کارها را انجام داد. اما به‌عنوان صاحب‌نظر، تلقی‌ام این است که سطح

علمی مقالاتی که ارائه شد می‌توانست بالاتر از این باشد و این اتفاق نخواهد افتاد تا چنین همایش‌هایی برگزار شود! یعنی این بار که این اتفاق افتاد و سطح علمی مقالات این بود، بار بعدی که همایش برگزار شود، سطح علمی مقالات بالاتر خواهد رفت. این موضوع نیاز به مراقبت، هزینه و دلسوزی مسئولین دارد و ان‌شاءالله قطعاً این اتفاق در آینده خواهد افتاد.

شاددل: طبق گفته‌ی خود شما، عصر «می‌توانم و نمی‌دانم» گذشته است و الان در عصر «می‌خواهم و ما خواستیم» قرار داریم. عصر خواستن و توانستن است. باید بلند شویم و کاری انجام دهیم. حقیقتش این است که من فکر می‌کنم شما سطح معلومات در همایش را با یک شهر بزرگ مثل تهران مقایسه می‌کنید. بهتر است از دید همین شهرستان و استان خواسته‌های شما را بررسی کنیم. فاروج شهر بسیاری کوچکی است و لذا سطح مقالات در این حد بود. با این حال نتایج کار از دیدگاه ما بسیار خوب بود. البته این‌گونه همایش‌ها باید آن قدر برگزار شوند که مشکلات مشخص شود. منظورم از سؤالی که کردم این بود که ارزیابی شما چیست تا ما بتوانیم در کارهای بعدی، سطح بالاتری از انتظارات را باورده سازیم. خیلی ممنون از همکاری شما.

من احساس کردم که شما معلم هستید. معلم بودن با استاد بودن به نظر من فرق می‌کند. این را دانشجویان خودم می‌گویند که فلانی می‌آید تدریس می‌کند و ما چیزی نمی‌فهمیم، اما فلانی می‌آید مطلبی را بیان می‌کند و ما کاملاً درک می‌کنیم! من می‌گویم ما معلم بوده‌ایم و در تربیت معلم فن معلمی خوانده‌ایم. شاید بار علمی ما کم باشد، اما از روشی استفاده می‌کنیم که شما جذب می‌شوید. استادی که می‌آید سر کلاس کلی اطلاعات دارد، اما روش من معلم را یاد نگرفته است.

امروز شما از آغاز سخنانتان خیلی خوب این مجموعه را اداره کردید. این یعنی شما یک معلم موفقی هستید. حالا جدا از استادی که بحث دیگری دارد، معلمی واقعا مهارت می‌خواهد و بسیار ارزشمند است. به نظر من هر استادی معلم نیست، ولی هر معلمی استاد است.

نادری مایوان: عرض کنم که نیت‌های ما همه یکی است و من حرف‌های شما را تأیید می‌کنم. اما چرا تا این حد بین معلم علمی در آموزش و پرورش و استاد در دانشگاه تفاوت می‌گذارند؟ فرقی بین آن‌ها نیست. بالاخره آموزش کوچک سال سخت‌تر از آموزش بزرگ سال است. چرا کشورهای دیگر در زمینه‌ی تربیت رشد کرده‌اند؟ چون به استادانی که در دوره‌ها و پایه‌های پایین تدریس می‌کنند، اهمیت داده‌اند.

ما هم این‌جا تشکر می‌کنیم از همه‌ی کسانی که این همایش بزرگ را در این شهرستان کوچک از نظر وسعت و از نظر اندیشه‌ی بزرگ، برگزار کردند. این‌جا عالمان بزرگی دارد؛ از جمله حاج‌آقا شوشتری، حاج‌آقا مظلوم شهرستانی و علمای دیگری که در این‌جا بودند و الان فوت کرده‌اند و از بین ما رفته‌اند. از آقای دکتر **جعفری**، آقای رسولی، دکتر چوبینه و تمامی عزیزانی که زحمت کشیدند و واقعا قدم‌رنجه فرمودند، متشکریم و امیدواریم که خداوند برایشان عمر باعزت و برکت بدهد و در تمام کارهایشان موفق و سربلند باشند.

چوبینه: خیلی متشکرم، محبت کردید!